

رازی  
رازینہا  
و  
رازی  
رمزیدہ

دکتر سید محمد کبیری ہاشمی

بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹  
راز پنهانی و رمز پیدایی / سید محمد بنی هاشمی. تهران: نیک معارف،  
۱۳۸۴.  
۳۹۲ ص.  
ISBN: 964 - 5567 - 80 - 7  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه ص ۳۸۷ - ۳۹۰: همچنین بصورت زیر نویس.  
۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت. ۲. محمد بن  
حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت، احادیث. الف. عنوان.  
۲ / ۹ ب / ۴ / ۲۲۴ BP ۲۹۷ / ۴۶۲  
کتابخانه ملی ایران  
۱۸۰۶۲ - ۸۴ م



تلفن ۰۱۰ ۶۶۹۵۰۰۱۰ (خط ۴)

نام کتاب ..... راز پنهانی و رمز پیدایی  
نویسنده ..... سید محمد بنی هاشمی  
ناشر ..... نیک معارف  
نوبت چاپ ..... دوم / ۱۳۸۸  
تیراژ ..... ۲۵۰۰ نسخه  
حروفچینی و صفحه آرایی ..... شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶  
طرح جلد ..... مطلع نگار ۰۶۱۹۴۰۸۴  
چاپ ..... چهارگل  
قیمت ..... ۵۰۰۰ تومان

شابک ۷ - ۸۰ - ۵۵۶۷ - ۹۶۴ - ۵۵۶۷ - ۸۰ - ۷

تهران، خیابان کارگر جنوبی، خ روانمهر، کوچه دولتشاهی، شماره ۴، زنگ اول

تلفن ۰۱۰ ۶۶۹۵۰۰۱۰ - فاکس: ۰۲۶ ۶۶۴۸۰۰۲۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این تلاش ناچیز را به نیابت از  
همهٔ اساتیدی که در محضرشان درس ممدویت آموخته‌ام،  
به:  
مایهٔ فخر همهٔ مادران مؤمن، پرورندهٔ نور پروردگار و امانتدار امین او  
مولانا حضرت نرجس خاتون سلام الله علیها

تقدیم می‌دارم.

مؤلف



## فهرست مطالب

پیش‌گفتار ..... ۱۵

### بخش اول

## پیدایی و پنهانی امام عصر علیه السلام در عصر غیبت

فصل ۱- سابقه غیبت خلیفه الهی در زمین ..... ۲۱

غیبت حضرت ادریس علیه السلام ..... ۲۱

غیبت خلیفه (یا خلفای) الهی پس از حضرت نوح علیه السلام ..... ۲۲

غیبت حضرت یوسف علیه السلام ..... ۲۳

غیبت خلفای الهی پیش از ظهور حضرت موسی علیه السلام ..... ۲۴

غیبت حضرت موسی علیه السلام ..... ۲۷

معنای غیبت امام عصر علیه السلام ..... ۲۸

خالی نبودن زمین از حجت الهی ..... ۳۱

توجه دادن امام عصر علیه السلام به غیبت‌های انبیاء علیهم السلام ..... ۳۲

پیشگویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد غیبت امام دوازدهم علیه السلام ..... ۳۶

- ۳۸ ..... پیشگویی امیرالمؤمنین علیه السلام درباره غیبت امام عصر علیه السلام
- ۴۰ ..... پیشگویی حضرت مجتبی علیه السلام نسبت به غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام
- ۴۱ ..... پیشگویی پدر بزرگوار امام زمان علیه السلام در مورد غیبت فرزند خویش
- ۴۲ ..... پیشگویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره دو غیبت آخرین جانشین خود
- ۴۳ ..... پیشگویی سال شروع غیبت امام عصر علیه السلام از ۴۰ سال قبل

## فصل ۲- چگونگی ارتباط با امام عصر علیه السلام در زمان غیبت صغری و کبری

- ۴۵ ..... تفاوت دو غیبت از جهت مدت زمان آنها
- ۴۷ ..... تفاوت دو غیبت از جهت نحوه ارتباط با امام غایب
- ۵۱ ..... غیبت کامل و ناقص
- ۵۲ ..... جایگاه ممتاز نواب خاص امام زمان علیه السلام حتی در غیبت کبری
- ۵۴ ..... بسته بودن باب نیابت خاصه (تکالیف جدید) در غیبت کبری
- ۵۸ ..... معلوم بودن جایگاه امام علیه السلام برای برخی از خواص در هر دو غیبت
- ۶۱ ..... عدم امکان ارتباط اختیاری با امام علیه السلام در غیبت کبری
- ۶۳ ..... ناشناخته بودن کارگزاران امام علیه السلام در زمان غیبت کبری
- ۶۷ ..... محدودیت های کارگزاران در ارتباط با مردم و امام علیه السلام
- ۶۸ ..... عنایت حضرت به مؤمنان بدون وجود راه ارتباطی ظاهری با ایشان

## فصل ۳- بهروری از امام غایب علیه السلام

- ۶۹ ..... تشبیه امام غایب علیه السلام به خورشید پس ابر
- ۷۱ ..... ارزش و اهمیت نور ولایت امام عصر علیه السلام
- ۷۲ ..... امتحان حضرت آدم علیه السلام در خصوص ولایت امام عصر علیه السلام
- ۷۵ ..... امتحان حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد ولایت امام زمان علیه السلام
- ۷۷ ..... تفاوت مؤمنان در بهره مندی از نور ولایت امام غایب علیه السلام
- ۷۹ ..... سطح پایین و بالای بهره بردن از خورشید پشت ابر
- ۸۱ ..... رابطه دیدار امام غایب با معرفت ایشان

## فهرست مطالب \* ۷

- اولویت انجام وظیفه بر اهتمام نسبت به دیدن امام غایب علیه السلام ..... ۸۳
- تذکرات نایب دوم امام زمان علیه السلام در مورد دیدار حضرت و شوق نسبت به آن ..... ۸۵
- غیبت امام عصر علیه السلام خواست قطعی خداوند ..... ۸۸
- ضرورت تسلیم نسبت به غیبت امام زمان علیه السلام ..... ۸۹
- اهمیت زیارت امام علیه السلام در زمان غیبت ..... ۹۱

## فصل ۴- اشتیاق و اهتمام برای دیدار امام غایب علیه السلام

- دو گرایش افراطی و تفریطی در مورد شوق دیدار امام غایب علیه السلام ..... ۹۵
- شوق دیدار امام عصر علیه السلام لازمه ولایت و محبت ایشان ..... ۹۸
- استحباب دعا برای دیدار امام عصر علیه السلام در زمان غیبت ..... ۱۰۰
- اشکالات وارد شده بر تقاضای دیدار امام زمان علیه السلام در زمان غیبت ..... ۱۰۲
- بررسی دلالت الفاظ دعاها بر دیدن امام زمان علیه السلام در زمان غیبت ..... ۱۰۲
- تقاضای رؤیت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت و ظهور ..... ۱۰۵
- مطلوبیت تمنای رسیدن به خدمت امام زمان علیه السلام و دعا برای تحقق آن ..... ۱۰۸
- استحباب اصرار در دعا برای تقاضای دیدار امام زمان علیه السلام ..... ۱۱۰
- وظیفه مؤمن در صورت عدم استجاب دعا ..... ۱۱۱
- خطر شیفتگی شدید به امام زمان علیه السلام ..... ۱۱۲
- ذکر آداب و اعمالی برای تشرف خدمت امام عصر علیه السلام ..... ۱۱۴
- مراقبت بر یکی از تعقیبات نماز برای توفیق دیدار امام عصر علیه السلام ..... ۱۱۶
- تشرف صاحب مکیال خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام عجل الله فرجه ..... ۱۱۸
- عمل به وظیفه؛ بهترین راه رسیدن به فیض دیدار امام زمان علیه السلام ..... ۱۱۹

## فصل ۵- بررسی حجیت تشرف به محضر امام زمان علیه السلام

- ادعای رؤیت امام عصر علیه السلام ..... ۱۲۳
- تشرف سید بن طاووس به محضر حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۲۴
- تشرف مرحوم علامه بحر العلوم خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام ..... ۱۲۵

- ۱۲۷ ..... تشرّفات میرزا محمّد تقی موسوی اصفهانی خدمت امام زمان علیه السلام
- ۱۳۰ ..... تشویق به نقل قضایای متقن در تشرّف خدمت حضرت علیه السلام
- ۱۳۱ ..... عدم جواز تکذیب مدّعی تشرّف
- ۱۳۱ ..... منظور از مشاهده‌ای که باید تکذیب شود
- ۱۳۵ ..... نقد و بررسی اصالت اشتباه و دروغ در مورد ادّعی رؤیت
- ۱۳۶ ..... بررسی ادّعی لزوم تکذیب مدّعی رؤیت
- ۱۳۷ ..... بررسی اخبار دالّ بر عدم امکان رؤیت امام زمان علیه السلام در زمان غیبت
- ۱۳۸ ..... نظر علامه بحر العلوم درباره مدّعی رؤیت
- ۱۳۹ ..... تکذیب مدّعی رؤیت در عمل
- ۱۴۱ ..... عدم تمامیت دلیل بر تکذیب مدّعی رؤیت
- ۱۴۲ ..... تفاوت میان اثبات شرعی و احراز وجدانی
- ۱۴۴ ..... حجّیت یا عدم حجّیت شرعی تشرّفات
- ۱۴۷ ..... معیارهای اعتماد بر تشرّفات منقول
- ۱۴۹ ..... نمونه‌ای از تشرّفات قطعی در زمان غیبت کبری
- ۱۵۱ ..... قرینه‌ای بر عدم جواز اعتماد به نقل تشرّف
- ۱۵۲ ..... لزوم احتیاط در اعتماد و عدم اعتماد بر حکایات تشرّف

## فصل ۹- بهره‌وری خواص از نورشید وجود امام عصر علیه السلام

- ۱۵۵ ..... باز بودن راه به سوی امام غایب علیه السلام
- ۱۵۷ ..... اختصاص این راه به خواص
- ۱۵۸ ..... سیره و سلوک خواصّ امام زمان علیه السلام
- ۱۶۲ ..... بطلان ادّعی ارتباط با امام علیه السلام
- ۱۶۴ ..... گناهان؛ سبب محجوب شدن از امام عصر علیه السلام
- ۱۶۶ ..... رفع حجاب از نفس با تهذیب آن



بخش دوم  
رازپنهانی امام عصر علیه السلام

۱۷۱	فصل ۱- بررسی عقلی علت غیبت
۱۷۱	طرح سؤال: چرا امام عصر <small>علیه السلام</small> غایب شده‌اند؟
۱۷۲	ارائه برهان لطف برای اثبات ضرورت عقلی وجود امام <small>علیه السلام</small>
۱۷۴	نقد و بررسی منطقی برهان لطف
۱۷۵	عدم جواز اسناد غرض به افعال الهی
۱۷۷	سنت «امتحان» در خلقت خداوند
۱۷۹	عدم وجوب «لطف» در امتحان الهی
۱۸۰	ملزم نبودن خداوند به رعایت اصلح در مورد بندگان
۱۸۴	عدم وجوب اعمال جود و کرم از جانب خداوند
۱۸۷	خلاصه نقد برهان لطف به نقل از موافقان
۱۸۸	نکات دیگری در نقد برهان لطف
۱۹۱	عدم ضرورت استمرار ظهور امام <small>علیه السلام</small>
۱۹۲	سؤال از حکمت غیبت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۹۲	قابل کشف نبودن حکمت غیبت
۱۹۳	نظریه‌ای درباره ملاک ظهور و غیبت امام <small>علیه السلام</small>
۱۹۵	سرایت دادن نظریه به ظهور و غیبت امام <small>علیه السلام</small> برای هر فرد
۱۹۶	تأیید نظریه مزبور با آیات و روایات
۱۹۸	نظریه علت فلسفی غیبت امام <small>علیه السلام</small>
۱۹۹	اعطای نعمت‌ها بر اساس لیاقت و شایستگی نیست
۲۰۱	حضور آشکار ائمه <small>علیهم السلام</small> در جامعه بدون وجود لیاقت مردم
۲۰۳	عدم وجوب ظهور امام <small>علیه السلام</small> بر فرد لایق در زمان غیبت
۲۰۴	سلب نعمت لزوماً به علت بی‌لیاقتی نیست

- ۲۰۵ ..... نقد و بررسی نظریهٔ علت فلسفی غیبت امام علیه السلام
- ۲۰۶ ..... دیدگاه صحیح دربارهٔ ارتباط غیبت امام علیه السلام با کفران نعمت ظهور ایشان
- ۲۰۷ ..... عدم ضابطهٔ کلی برای کشف علت غیبت امام علیه السلام
- ۲۰۸ ..... قابل کشف نبودن حکمت غیبت برای ما
- ۲۱۰ ..... روشن نشدن حکمت غیبت پیش از ظهور
- ۲۱۰ ..... تشبیه غیبت امام عصر علیه السلام به کارهای حضرت خضر علیه السلام
- ۲۱۱ ..... بررسی نظر مرحوم شیخ مفید دربارهٔ علت غیبت
- ۲۱۴ ..... تصدیق حکیم بودن خداوند، بدون آگاهی از حکمت الهی
- ۲۱۵ ..... ممنوعیت سؤال دربارهٔ علت غیبت
- ۲۱۷ ..... بررسی ادعای کشف علت غیبت از توفیق امام علیه السلام
- ۲۱۹ ..... دیدگاه مرحوم سید مرتضی دربارهٔ علت غیبت
- ۲۲۱ ..... بررسی و نقد نظرات مرحوم سید مرتضی
- ۲۲۲ ..... عدم جواز اظهار نظر عقلی در مورد علت غیبت
- ۲۲۳ ..... بررسی آراء مرحوم شیخ طوسی و علامه خواجه نصیرالدین طوسی
- ۲۲۶ ..... وقوع غیبت به ارادهٔ الهی

## فصل ۲- بررسی اولی نقلی علت غیبت

- ۲۲۹ ..... معنای «علت» غیبت امام علیه السلام در احادیث
- ۲۳۱ ..... اولین علت غیبت امام علیه السلام: ترس از کشته شدن
- ۲۳۴ ..... دومین علت غیبت امام علیه السلام: امتحان مردم
- ۲۳۶ ..... نقل و بررسی سخن شیخ طوسی در ردّ این علت
- ۲۳۷ ..... سخن دیگری در ردّ این علت و بیان مرحوم شیخ
- ۲۳۹ ..... سومین علت غیبت امام علیه السلام: بر عهده نداشتن بیعت
- ۲۴۱ ..... چهارمین علت غیبت امام علیه السلام: اجرای سنت غیبت پیامبران
- ۲۴۴ ..... پنجمین علت غیبت امام علیه السلام: گناهان مردم

صحت استناد غیبت امام علیه السلام به علل نقلی مذکور ..... ۲۴۶

طرح علت ششم غیبت و بررسی آن ..... ۲۴۷

### فصل ۳- نارسایی ادله نقلی ادعایی بر علت غیبت

طرح دو علت استحسانی برای غیبت امام علیه السلام ..... ۲۴۹

بررسی توفیق امام علیه السلام از جهت بیان علت غیبت ..... ۲۵۰

بررسی نظریه «نبودن ۳۱۳ یار» به عنوان علت غیبت ..... ۲۵۵

یکی نبودن شرط ظهور با علت غیبت ..... ۲۵۹

عدم کفایت وجود ۳۱۳ نفر برای ظهور ..... ۲۵۹

قاعده‌ای در سخن گفتن به صورت شرطی ..... ۲۶۰

مصادره به مطلوب در استدلال برخی از بزرگان ..... ۲۶۴

بررسی شرط وجود ۳۱۳ یار برای ظهور ..... ۲۶۷

تقدم ظهور امام علیه السلام بر اجتماع ۳۱۳ یار ایشان ..... ۲۶۸

### بخش سوم

### رفز پیدایی امام عصر علیه السلام

### فصل ۱- بررسی ادله نقلی ادعایی بوجود شرایط لازم یا کافی برای رفع غیبت

نظریه وجود ۳۱۳ یار با اخلاص به عنوان شرط لازم ظهور ..... ۲۷۵

وجود ۳۱۳ نفر، شرط کافی یا شرط لازم؟ ..... ۲۷۶

عدم توقف ظهور بر تولد ۳۱۳ یار با اخلاص ..... ۲۷۸

معرفی برخی از ۳۱۳ یار امام زمان علیه السلام ..... ۲۷۹

تئوری «خواست مردم، شرط لازم و کافی برای ظهور» ..... ۲۸۰

تصویری از وضعیت یاران امیر المؤمنین علیه السلام در زمان خلافت ایشان ..... ۲۸۳

عدم اعتماد امیر المؤمنین علیه السلام به مردم در قبول خلافت ..... ۲۸۷

علت عدم قیام امیر المؤمنین علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۲۸۹

۲۹۱	..... معنای «حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر»
۲۹۳	..... عدم وجوب پذیرش بیعت با مردم بر امام <small>علیه السلام</small>
۲۹۴	..... قابل تحلیل نبودن سیره ائمه <small>علیهم السلام</small> بر اساس ضوابط بشری
۲۹۶	..... متکی بودن همه کارهای ائمه <small>علیهم السلام</small> بر اساس ضوابط الهی
۲۹۸	..... کمترین فایده نقل این احادیث
۳۰۰	..... ائمه <small>علیهم السلام</small> صرفاً مأمور به ظاهر نبوده‌اند
۳۰۳	..... اعمال ائمه <small>علیهم السلام</small> تنها صورت و جوب برایشان نداشته است
۳۰۴	..... نظریه «عدم جواز قعود بر امام <small>علیه السلام</small> در صورت وجود یاران»
۳۰۶	..... نقد و بررسی این نظریه
۳۰۸	..... در اختیار نبودن ضابطه کلی برای سبب قیام ائمه <small>علیهم السلام</small>
۳۰۹	..... تئوری: «رفع علّت غیبت، سبب ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> »
۳۱۱	..... نقد و بررسی این تئوری

## فصل ۲- بررسی ادله به ظاهر عقلی بر ضرورت آمادگی مردم برای رفع غیبت

۳۱۳	..... دلیل اول بر ضرورت آمادگی عمومی مردم به عنوان شرط لازم ظهور
۳۱۴	..... تحوّل دل‌های مردم پس از ظهور به دست امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۱۵	..... اسلام پس از ظهور: بار غبت یا کراهت
۳۱۸	..... معنای آیه شریفه: «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ»
۳۲۰	..... دلیل دوم بر ضرورت آمادگی عمومی مردم به عنوان شرط لازم ظهور
۳۲۳	..... منافات نداشتن جنگ و خونریزی پس از ظهور با معجزه بودن آن
۳۲۵	..... پیروزی مسلمانان در جنگ بدر به اعجاز الهی
۳۲۷	..... شباهت قیام امام زمان <small>علیه السلام</small> به غلبه پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در جنگ بدر
۳۲۹	..... الهی بودن امر ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۳۱	..... لشکریان غیبی امام عصر <small>علیه السلام</small> در هنگام ظهور
۳۳۱	..... تشبیه قیام امام زمان <small>علیه السلام</small> به خروج پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۳۳۳	.....

۳۳۶	تأکید بر اعجاز آمیز بودن قیام حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۳۳۶	معجزه بودن تکمیل عقول به دست با برکت امام عصر <small>علیه السلام</small> .....
۳۳۸	دلیل سوم بر ضرورت آمادگی مردم به عنوان شرط لازم ظهور .....
۳۴۱	اتمام حجّت بر مدعیان حکومت جهانی قبل از ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۳۴۳	عدم ضرورت آمادگی عمومی به عنوان شرط ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۳۴۵	بعید بودن ظهور مشروط به یأس بشر از قوانین بشری .....
۳۴۷	مشروط نبودن ظهور به رواج فساد .....

### فصل ۳- بررسی نظریاتی درباره پیش شرط ظهور

۳۵۱	یک نظریه تاریخی - کلامی در بیان شرایط ظهور .....
۳۵۴	ظهور مصلحان الهی در غیر نقاط تعادل تاریخ .....
۳۵۷	رو به سوی رشد نداشتن تاریخ بشریت .....
۳۵۷	درخشان بودن آینده تاریخ فقط بر اساس اخبار غیبی .....
۳۵۸	مشروط نبودن ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> به پر شدن جهان از ظلم و جور .....
۳۶۰	استقرار حکومت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> مستلزم کشتار عمومی نیست .....
۳۶۱	دموکراسی، معیار مشروعیت نظام حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small> نیست .....
۳۶۲	یک نظریه نقلی - کلامی در ارائه پیش شرط ظهور .....
۳۶۵	تعیین نشدن پیش شرط ظهور در احادیث .....
۳۶۷	صحیح نبودن تقسیم بندی تاریخ امامت به سه دوره .....
۳۶۹	نه عدالت خواهی مردم، شرط لازم ظهور است و نه عمل آنها به عدالت .....
۳۷۲	راز غیبت، آمادگی مردم جهان برای ظهور نیست .....
۳۷۳	نظریه اختیاری بودن ظهور .....
۳۷۵	کار خدا بودن ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۳۷۷	خدایی بودن ظهور امام عصر <small>علیه السلام</small> .....
۳۸۱	برنامه ریزی برای پیروزی نهضت امام زمان <small>علیه السلام</small> کار ما نیست .....

۱۴ \* راز پنهانی و رمز پیدایی

- عدم یأس از ظهور در فرض فراهم نبودن شرایط و زمینه‌های بشری آن ..... ۳۸۱
- ایجاد انگیزه برای تلاش و جهاد در صورت اعتقاد به الهی بودن امر ظهور ..... ۳۸۳
- ضرورت انجام وظیفه همراه با دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام ..... ۳۸۵

## پیش‌گفتار

در عصر امامت امام عصر علیه السلام، شاید هیچ امری به دشواری و حساسیت غیبت آن حضرت، ابزار آزمایش شیعیان و مؤمنان نبوده باشد. به علاوه، هر چند غیبت خلفای الهی، در امت‌های پیشین، سابقه‌ای دیرین دارد، اما طولانی شدن آن در امت اسلام (تا حدود ۱۲ قرن) زمینه پیدایش ابهامات و اشکالات فراوانی شده است.

غیبت امام علیه السلام از جهات مختلف در معرض آراء و نظریات متفاوت و بعضاً متعارض قرار گرفته است. اولین مسأله مورد بحث عبارت است از: «چگونگی ارتباط با آن حضرت در زمان غیبت کبری و نیز طریق بهره‌وری از وجود مقدس ایشان در این دوران». در این مورد دیدگاه‌های ضد و نقیضی نسبت به امکان تشرّف به محضر امام غایب علیه السلام وجود دارد که باید به طور مستدل مورد بحث و بررسی قرار گیرند و مشرب صحیح در این میان شناخته شود.

مسأله دیگر به علت یا علل غیبت امام عصر علیه السلام مربوط می‌شود که از دو منظر عقل و نقل به آن توجه شده است. در این خصوص مباحث مفصل و مبسوطی تحت عنوان «دلیل یا ادله عقلی غیبت» مطرح شده که صحت ادعای عقلانیت آنها باید با نقد و بررسی عمیق مورد سنجش قرار گیرد. همچنین دلایل نقلی متعددی

برای غیبت در احادیث، ذکر شده که معانی و مفاد آنها نیز نیاز به تأمل و دقت دارد. احادیث دیگری هم وجود دارند که به صراحت علت غیبت را بیان نکرده‌اند اما برخی نویسندگان و متفکران از آنها علل غیبت را استنباط نموده‌اند. کفایت و عدم کفایت این ادله هم به بحث و بررسی استدلالی محتاج است.

موضوع دیگری که در مبحث غیبت امام عصر علیه السلام بسیار مهم و عقیده ساز می‌باشد، عواملی هستند که عموماً تحت عنوان شرایط لازم یا کافی برای رفع غیبت (ظهور) آن حضرت مورد استناد واقع شده‌اند. این ادله، گاهی نقلی هستند و گاهی هم صورت و ظاهر عقلی دارند. در این مورد نظریاتی وجود دارد که مدعی وجود ارتباط منطقی بین علت غیبت و شرایط و اسباب ظهورند. همچنین نظریه پردازی‌های متفاوتی دربارهٔ پیش شرطهای مختلف برای امر ظهور صورت گرفته که اعتبار و صحت همهٔ آنها نیاز به بحث و بررسی جدی دارد. در نوشتار حاضر همهٔ موضوعات فوق مورد تأمل و دقت قرار گرفته و سعی شده تا در هر یک، اقوال نادرست از آراء صحیح بازشناسی شوند.

بخش اول کتاب اختصاص به معنا و مفهوم غیبت و چگونگی ارتباط با امام غایب دارد (که در ۶ فصل تنظیم شده است). در ضمن این فصول، دربارهٔ شوق دیدار امام زمان علیه السلام و امکان وقوع آن در عصر غیبت کبری مباحث مهمی مطرح شده و حجیت تشریفاتی که از طرق گوناگون مورد ادعا قرار گرفته بررسی می‌شود. دربارهٔ بهره‌وری شیعیان خاص آن حضرت از خورشید وجود ایشان نیز در همین بخش سخن گفته‌ایم.

در بخش دوم به بحث و بررسی دربارهٔ ادله عقلی و نقلی علت غیبت امام عصر علیه السلام پرداخته‌ایم. در این بخش ابتدا مهم‌ترین بیانات مطرح - در لباس استدلال عقلی غیبت - را مورد نقد و بررسی قرار داده‌ایم و در پایان به این نتیجه رسیده‌ایم که امر غیبت امام زمان علیه السلام امری نیست که علت آن با عقل بشر عادی قابل کشف باشد و احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز به صراحت بر همین امر تأکید نموده‌اند. سپس اهم دلایل نقلی - که برای غیبت امام علیه السلام مطرح شده - را نقل



کرده‌ایم و معنای هر یک را - با توجه به این که هیچ یک بیان‌کننده فلسفه و علت غیبت نیستند - توضیح داده‌ایم. در ادامه این بخش، نارسایی ادله نقلی ادعایی بر علت غیبت را روشن ساخته‌ایم.

بخش سوم و پایانی کتاب درباره نظریاتی است که هر کدام به نوعی شرایط لازم یا کافی برای ظهور امام زمان علیه السلام قائل شده و آراء خود را مستند به ادله عقلی یا نقلی نموده‌اند. با بیان نقاط ضعف هر یک از این آراء روشن می‌شود که ظهور حضرت مهدی علیه السلام هیچ‌گونه پیش شرط بشری ندارد و علاوه بر این که راز پنهانی آن امام علیه السلام قابل کشف نیست، رمز پیدایی آن حضرت نیز تنها به دست خداوند متعال قابل گشودن می‌باشد و بین این رمز و آن راز هیچ گونه ارتباطی - که قابل کشف با عقل عادی بشری باشد - وجود ندارد.

مهم‌ترین ثمره این بخش، اعتقاد به الهی بودن امر ظهور است (که معنای دقیق و تأثیر عمیق آن در تلاش و جهاد با دشمنان دین به طور مستدل مطرح شده است).

وجود آراء و نظریات متفاوت و بعضاً متعارض در مجموع این مباحث، باعث گردیده که حجم عمده‌ای از مطالب کتاب، صرف طرح و نقد نظریات نویسندگان و اندیشمندان گوناگون شود. در این میان با همه احترام و اعتباری که راقم این سطور برای تک تک صاحب نظران در این مباحث قائل بوده و هست، در مقام بحث و بررسی علمی سعی نموده عظمت و جلالت شخصیت‌های بزرگ و عالمان نامدار شیعه را سد راه تأمل خود نیند و این‌گونه باب تفقه در موضوعات مورد بحث را بر خویش نبندد. لذا ضمن تعظیم و تجلیل از مقام علمی و معنوی همه بزرگان عالم تشیع - که به نحوی آراء ایشان مورد نقد قرار گرفته - خوانندگان محترم را به این واقعیت مهم توجه می‌دهیم که روش پسندیده نقد و بررسی عالمانه و غیر متعصبانه - که همواره در میان عالمان گران قدر شیعه وجود داشته و دارد - درسی است که خود این بزرگواران به پیروی از سفارش‌های امامان معصوم علیهم السلام به ما آموخته‌اند. بنابراین ادای حق بزرگی که این وارثان علوم

اهل بیت علیهم السلام بر عهده همگان دارند، اقتضا می‌کند که سیره و روش صحیح ایشان در این زمینه همچنان ادامه یابد و هیچ‌گاه تعصبات و تقلیدهای کورکورانه جای علم و تحقیق را در میان دانش‌آموختگان مکتب اهل بیت علیهم السلام نگیرد. به همین دلیل، نویسنده از خوانندگان متعمق و صاحب نظر در موضوعات کتاب تقاضا دارد که اگر در نقدها و استدلال‌ها نقاط ضعفی مشاهده می‌کنند، از اظهار و ابراز آن به صورت علمی و محققانه دریغ نورزند. خداوند به همه دوستان امام زمان علیه السلام توفیق تفقه در دین و معرفت امامشان را عطا فرماید و این تلاش ناچیز را به شرف قبول و امضای مادر بزرگوار آن حضرت، جناب نرجس خاتون سلام الله علیها برساند.

الهی آمین  
سوم جمادی الثانی ۱۴۲۶  
تیرماه ۱۳۸۴  
سید محمد بنی‌هاشمی

بخش اول

پیدایی و پنهانی امام عصر علیہ السلام

در عصر غیبت



## فصل ۱

### سابقه غیبت خلیفه الهی در زمین

غیبت خلیفه الهی در زمین، پدیده نوظهور و بی سابقه‌ای نیست که تنها در امت اسلام رخ داده باشد. بلکه این امر پیشینه‌ای بس دیرینه در امت‌های گذشته داشته است. در این جا به چند نمونه از این دست اشاره می‌کنیم تا اصل وجود غیبت خلیفه خداوند و نحوه آن، بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

#### غیبت حضرت ادریس علیه السلام

خبر غیبت حضرت ادریس علیه السلام در حدیث مفصّلی - به نقل از حضرت باقر العلوم علیه السلام - بیان شده است<sup>۱</sup>. مطابق این حدیث شریف حضرت ادریس علیه السلام به امر خداوند بیست سال از قوم خود در پنهانی به سر برد. قبل از پنهان شدن، شیعیان خود را که بیست نفر بودند، جمع کرد و به ایشان دستور داد تا در جاهای مختلف پخش شوند. آنها نیز چنین کردند و خود آن حضرت هم در غاری بر فراز کوه بلندی پناه گرفت.

پس از گذشت این مدت، مجبور شد برای کسب روزی از محلّ پنهانی اش خارج شود و به صورت ناشناس به قریه‌ای وارد گردد. تقدیرات الهی بالاخره او را از ناشناخته بودن خارج کرد و با ظهور ایشان، نعمت بارش باران که در طول این

۱. رجوع شود به: کتاب «کمال الدین و تمام النعمة»، باب ۱، «فی غیبة ادریس النبی علیه السلام».

مدّت از قوم آن حضرت دریغ شده بود، دوباره به آنها عطا شد. غیبت حضرت ادریس علیه السلام از آنجا آغاز شد که پادشاه جبار آن زمان، ایشان را تهدید به قتل نمود. همین، انگیزه غیبت آن حضرت به امر الهی بود و در اثر این غیبت طولانی، همه مردم - حتی شیعیان ایشان - به نهایت سختی و مشقت گرفتار شدند. هر دو موضوع - هم انگیزه غیبت و هم گرفتاری سخت شیعیان به خاطر طولانی شدن غیبت - در مورد غیبت امام عصر علیه السلام نیز تکرار شده است.

### غیبت خلیفه (یا خلفای) الهی پس از حضرت نوح علیه السلام

مصدق دیگر برای غیبت خلیفه الهی پس از وفات حضرت نوح علیه السلام اتفاق افتاد. مطابق حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، آن حضرت در هنگام وفات خود شیعیانش را جمع کرد و خطاب به آنها فرمود:

إِعْلَمُوا أَنَّهُ سَتَكُونُ مِنْ بَعْدِي غَيْبَةٌ تَظْهَرُ فِيهَا الطَّوَاعِيتُ وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُفَرِّجُ عَنْكُمْ بِالْقَائِمِ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ هُودٌ... يُشْبِهُنِي فِي خَلْقِي وَخُلُقِي... فَلَمْ يَزَالُوا يَتَرَقَّبُونَ هُودًا وَ يَنْتَظِرُونَ ظُهُورَهُ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ وَ قَسَتْ قُلُوبُ أَكْثَرِهِمْ فَأَظْهَرَ اللَّهُ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - نَبِيَّهُ هُودًا عِنْدَ الْيَأْسِ مِنْهُمْ وَ تَنَاهَى الْبَلَاءَ بِهِمْ.<sup>۱</sup>

بدانید که پس از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوتها ظاهر خواهند شد و خدای عزوجل به وجود قیام کننده‌ای از فرزندان من - به نام هود - فرج شما را می‌رساند... او در شمایل و اخلاق شبیه من است... پس آنها پیوسته چشم به راه هود و منتظر ظهورش بودند تا آنکه مدت (این غیبت و انتظار) به درازا کشید و دل‌های بیشتر ایشان سخت [و سنگ] گردید، در این هنگام خدای متعال پیامبرش هود را ظاهر ساخت در حالی که آنها - از فرج - ناامید و در نهایت گرفتاری بودند.

چند نکته در این حدیث شریف، قابل توجه و تأمل است:

یکی این که حضرت نوح علیه السلام فرمود: پس از من غیبتی خواهد بود، اما حضور خلیفه الهی در زمین رانفی نکرد.

می دانیم که مطابق سنت دیرین الهی همیشه بر پهنه زمین، خلیفه ای از جانب خداوند وجود دارد، اما این خلیفه ممکن است آشکار و شناخته شده نباشد بلکه ناشناخته و پنهان باشد.<sup>۱</sup> به همین جهت، حضرت نوح علیه السلام به غیبت حجّت یا حجّت های الهی پس از خود اشاره فرمود، بدون آن که هیچ نام و نشانی از آنها بیان فرماید.

نکته دوم این که حضرت نوح علیه السلام یکی از فرزندان خود را به نام و نشان معرفی کرد و از او به عنوان «قائم» یاد نمود و وعده داد که فرج شیعیان به ظهور ایشان خواهد بود.

سوم این که دوران انتظار فرج شیعیان حضرت نوح علیه السلام به درازا کشید تا آن جا که بیشتر آنها به قساوت قلب گرفتار شدند.

چهارم این که خدای متعال، حضرت هود علیه السلام را در زمانی ظاهر فرمود که شیعیان از فرج ناامید و در نهایت سختی و گرفتاری بودند.

هر چهار ویژگی در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و غیبت فرزند ایشان - حضرت قائم علیه السلام - تکرار شده است که هر کدام باید در محلّ خود به تفصیل بیان شود.

### غیبت حضرت یوسف علیه السلام

یکی دیگر از انبیای الهی که به امر خداوند از قوم خود - حتّی پدر و برادرانش - غیبت داشت، حضرت یوسف علیه السلام بود.

ایشان سه روز در چاه، چند سالی در زندان و سالهایی هم در کسوت پادشاهی به سر برد که مجموع این ایام بیست سال می شود.<sup>۲</sup> فاصله مکانی حضرت یوسف علیه السلام - در زمان سلطنتش بر مصر - با پدرش حضرت یعقوب علیه السلام، مسیری

۱. احادیث مربوط به این بحث در کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» باب ۲۲ به تفصیل ذکر شده است.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ابتدای باب ۵.

بود که طی کردن آن در آن روزگار تنها هجده روز طول می کشید. با این حال پدر و برادران ایشان از حضور آن حضرت در نزدیکی خود، بی خبر بودند. همچنین برادران یوسف علیه السلام حتی در هنگام روبه روشن شدن با آن حضرت، ایشان را نشناختند و تا خود را معرفی ننمود، ایشان را به جا نیاوردند. امام صادق علیه السلام در بیان شباهت حضرت صاحب الامر علیه السلام با جناب یوسف علیه السلام می فرمایند:

إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ شَبَهًا مِنْ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... إِنَّ إِخْوَةَ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانُوا أَسْبَاطًا وَأَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ تَاجَرُوا يَوْسُفَ وَبَايَعُوهُ وَخَاطَبُوهُ وَهُمْ إِخْوَتُهُ وَهُوَ أَخُوهُمْ فَلَمْ يَعْرِفُوهُ حَتَّى قَالَ: أَنَا يَوْسُفُ وَهَذَا أَخِي فَمَا تُتَكَبِّرُ هَذِهِ الْأُمَّةَ الْمَلْعُونَةَ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِحُجَّتِهِ فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ كَمَا فَعَلَ بِيُوسُفَ. إِنَّ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِلَيْهِ مُلْكٌ مِصْرَ وَكَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ وَالِدِهِ مَسِيرَةٌ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا فَلَوْ أَرَادَ أَنْ يَعْلِمَهُ لَقَدَّرَ عَلَى ذَلِكَ، لَقَدْ سَارَ يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوُلْدُهُ عِنْدَ الْبِشَارَةِ تِسْعَةَ أَيَّامٍ مِنْ بَدْوِهِمْ إِلَى مِصْرَ فَمَا تُتَكَبِّرُ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِحُجَّتِهِ كَمَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَمْشِيَ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بَسُطَهُمْ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ لَهُ كَمَا آذَنَ لِيُوسُفَ قَالُوا: أَأِنَّكَ لَأَنْتَ يَوْسُفُ؟ قَالَ: أَنَا يَوْسُفُ.<sup>۱</sup>

حضرت صاحب الامر علیه السلام شباهتی با جناب یوسف علیه السلام دارند... همانا برادران یوسف نوادگان و فرزندان پیامبران بودند، با او تجارت و معامله کردند و سخن گفتند در حالی که برادرانش بودند و او هم برادر آنها بود، اما او را نشناختند تا آن که خودش گفت: «من یوسف هستم و این برادر من است.» پس چرا این امت دور از رحمت الهی انکار می کنند که خدای عزوجل زمانی با حجت خویش همان کند که با یوسف کرد؟ همانا جناب یوسف پادشاه مصر بود و فاصله میان او و پدرش مسیر هجده روز راه بود، پس اگر (خداوند) می خواست پدر او را از این امر آگاه کند، می توانست (که البته چنین نکرد). وقتی بشارت یوسف به حضرت یعقوب و فرزندان رسید، از محل خودشان



تا مصر را در نُه روز (یعنی نصف مدّت معمول) طی کردند. پس به خاطر چه این اَمّت انکار می‌کنند که خدای عزّوجلّ با حجّت خود همان کند که با یوسف علیه السلام کرد، به گونه‌ای که در بازارهای آنها راه رود و روی فرش‌هایشان پا بگذارد (بدون این که شناخته شود) تا این که خداوند در این امر (معرفی خودش) به او اجازه دهد، همان گونه که به یوسف علیه السلام اجازه معرفتی داد؟ آنها گفتند: «آیا واقعاً تو خودت یوسف هستی؟» گفت: «من یوسف هستم.»

این حدیث شریف را مرحوم شیخ صدوق نیز در کتاب خود با مختصر اختلافی در عبارت نقل کرده است. در نقل ایشان پس از جمله «يَطَّأُّ بِسُطَّهِمْ» تصریح شده است که: «و هم لا يعرفونه»<sup>۱</sup> یعنی در حالی که او را نمی‌شناختند.

طبق این حدیث شریف، دو نحوه غیبت برای حضرت یوسف علیه السلام وجود داشته است: یکی دور بودن ایشان از پدر و سایر اعضای خانواده‌اش که هر چند فاصله مکانی بین آنها زیاد نبود، اما حضرت یعقوب علیه السلام و سایر فرزندان از این نزدیکی مکانی - بر اساس علم عادی بشری - مطلع نبودند. بنابراین، غیبت به معنای پنهان بودن محل اقامت حضرت یوسف علیه السلام از خانواده‌اش بود.

صورت دوم غیبت حضرت یوسف علیه السلام به این شکل بود که ایشان با مردم - از جمله برادرانش - ملاقات داشت و با آنها صحبت کرد، آنها هم با او صحبت کردند، همچنین با یکدیگر خرید و فروش داشتند. اما تا آن حضرت، خویش را به آنها معرفی نکرد، هیچ کدام از برادران، ایشان را نشناختند. پس یکی از معانی غیبت این است که فرد غایب دیده می‌شود اما شناخته نمی‌شود.

مقایسه و تشبیهی که در فرمایش امام صادق علیه السلام بین حضرت یوسف علیه السلام و امام عصر علیه السلام شده است، نشان می‌دهد که هر دو صورت غیبت در مورد حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه) وجود دارد و این امر، جای هیچ گونه ایراد و انکاری ندارد. اَمّت نفرین شده‌ای که امام صادق علیه السلام اشاره فرموده‌اند، همان کسانی هستند که خود را مسلمان و پیرو قرآن و سنّت نبوی می‌شمارند، اما با وجود چنین غیبتی

در حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ، نظیر آن را در مورد حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ نمی پذیرند. اینها همان کسانی هستند که هر چند اصل وجود مصلحی از فرزندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در آخر الزمان قبول دارند اما تولد او را از امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ منکر شده اند، چون غیبت آن حضرت را در این زمان طولانی نمی پذیرند. متأسفانه اکثریت مسلمانان با این که به اصل مهدویت معتقدند، ولی جزء همین گروه منکران غیبت می باشند.

### غیبت خلفای الهی پیش از ظهور حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ

برخی دیگر از حجّت های الهی که به امر پروردگار از امت خویش غیبت اختیار کردند، خلفای قبل از حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بودند. مطابق حدیثی که حضرت زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ از جد بزرگوار خود - نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نقل فرموده اند: «حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ در هنگام وفات، شیعیان و اهل بیت خود را جمع کرد و آنها را از سختی هایی که پس از او خواهند دید، مطلع ساخت. به آنها خبر داد که مردانشان کشته می شوند، شکم های زنان باردارشان را پاره می کنند و کودکشان را سر خواهند برید و این گرفتاری ها ادامه خواهد داشت تا زمانی که خداوند، قیام کننده ای از فرزندان «لاوی بن یعقوب» را آشکار کند، سپس ویژگی های ظاهری آن قائم را برای ایشان بیان نمود، آنها هم به همین وصیّت تمسک نمودند». آن گاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ وَالشَّدَّةُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ هُمْ مُنْتَظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 أَرْبَعَ مِائَةِ سَنَةٍ حَتَّى إِذَا بُشِّرُوا بِوِلَادَتِهِ ...<sup>۱</sup>

غیبت (حجّت های الهی) و سختی بر بنی اسرائیل واقع شد، در حالی که آنها چهار صد سال را در انتظار قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ سپری کردند، تا آن که به ولادت او بشارت داده شدند....

ملاحظه می شود که در این فرمایش، تصریح به وقوع غیبت کرده اند. این غیبت مربوط به خلفای الهی قبل از حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ می شود که برای مردم شناخته

شده نبودند. از آن جا که هیچ‌گاه زمین از حجّت یا حجّت‌های الهی خالی نمی‌ماند، پس در طول این چهار صد سال، این حجّت‌ها ناشناخته بودند و از همین جهت، تعبیر غیبت در مورد ایشان به کار رفته است.

### غیبت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام

یکی دیگر از انبیای بزرگ الهی که از قوم خود غیبت اختیار کرد، حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام - از پیامبران اولوالعزم الهی - بود. طبق حدیث منقول از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از ولادت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام بنی اسرائیل که از چهار صد سال پیش، انتظار ظهور قائم را می‌کشیدند، موفق به زیارت آن حضرت در سنّ جوانی شدند و در پیشگاه الهی سجده شکر به جا آوردند. در این ملاقات زودگذر، موسی عَلَيْهِ السَّلَام فقط یک جمله به ایشان گفت و سپس از دیدگانشان غایب شد. متن فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این خصوص چنین است:

... قال: أَرْجُو أَنْ يُعْجَلَ اللَّهُ فَرَجَكُمْ ثُمَّ غَابَ بَعْدَ ذَلِكَ وَخَرَجَ إِلَى مَدِينَةِ مَدْيَنَ فَأَقَامَ عِنْدَ شُعَيْبٍ مَا أَقَامَ فَكَانَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةَ أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الْأُولَى وَكَانَتْ نَيْفًا وَخَمْسِينَ سَنَةً وَاشْتَدَّتِ الْبَلْوَى عَلَيْهِمْ...<sup>۱</sup>

(موسی عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: امیدوارم خداوند فرج شما را جلو اندازد، سپس غایب شد و به شهر مدین رفت و مدّت اقامتش را در آن جا ماند. غیبت دوم برای آنها از اولی سخت‌تر بود و پنجاه و چند سال طول کشید و (در این مدّت) گرفتاری آنها شدّت یافت....

بنابراین حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام از زمان تولّد، دو غیبت داشت. بنی اسرائیل که از ولادت ایشان خبر داشتند، از دیدارش محروم بودند، تا آن‌که به صورت ظاهراً اتّفاقی، ایشان را در سنّ جوانی زیارت کردند، اما این ملاقات طولی نکشید و آن حضرت بلافاصله برای بار دوم از دیدگان آنها غایب شد. این غیبت دوم، هم طولانی‌تر از اولی بود و هم بر بنی اسرائیل سخت‌تر و شدیدتر گذشت. به این

ترتیب می توان گفت که از جهت غیبت (به خصوص تحقّق دو غیبت) بین حضرت موسی علیه السلام و امام عصر علیه السلام شباهت وجود دارد. امام صادق علیه السلام در بیان این وجه شباهت فرمودند:

فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ... خِفَاءٌ مَوْلِدِهِ وَ غَيْبَتُهُ عَنْ قَوْمِهِ.

در امام قائم علیه السلام سنتی از حضرت موسی بن عمران علیه السلام است: پنهانی ولادتش و نهانی از قومش.

سپس راوی سؤال نمود که غیبت حضرت موسی علیه السلام چقدر طول کشید؟ حضرت فرمودند: «بیست و هشت سال».<sup>۱</sup>

این بیست و هشت سال، به اولین غیبت ایشان مربوط می شود که بنی اسرائیل در این فاصله سراغ ایشان را می گرفتند، اما خبری پیدا نمی کردند و لذا کاملاً از او بی اطلاع بودند.<sup>۲</sup> احادیث و اخبار مربوط به حضرت موسی علیه السلام نشان می دهد که در این مدّت، عموم مردم اگر هم ایشان را می دیدند، نمی شناختند. بنابراین حضرت موسی علیه السلام علاوه بر داشتن اصل دو غیبت - یکی کمتر و دیگری طولانی تر - از جهت نحوه غیبت نیز دو تجربه داشته است: یکی نبودن در میان مردم و خارج بودن از شهر و دیار آنها و دوم ناشناخته بودن در عین سکونت در همان شهر و احیاناً رفت و آمد بین مردم. هر دو صورت غیبت، در مورد امام عصر علیه السلام نیز امکان پذیر است.

### معنای غیبت امام عصر علیه السلام

مواردی که از غیبت های انبیای گذشته بیان شد، از چند جهت در مورد غیبت امام عصر علیه السلام قابل استفاده است.

یکی از این جهات معنا و مفهوم غیبت ایشان است که می توان گفت به دو

۱. کمال الدین و تمام النعمة، باب ۶، ح ۳.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، باب ۶، ح ۲.

صورت می تواند باشد: یکی غیبت بدن و جسم شریف ایشان از میان مردم و دیار آنان، دوم غیبت عنوان و وصف آن حضرت به طوری که دیده شوند، اما همچنان ناشناس باقی بمانند. این دو صورت با یکدیگر قابل جمع هستند، یعنی غیبت امام زمان علیه السلام هم می تواند به صورت اول باشد و هم به صورت دوم. ممکن است گاهی به شکل اول رخ دهد و گاهی به شکل دوم یا بعضی با نوع اول آن روبه رو شوند و برخی دیگر با گونه دوم. در احادیث ائمه علیهم السلام به وقوع هر دو حالت تصریح شده است.

در حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل کردیم، تعبیر ایشان چنین بود: «أَنْ يَمْشِيَ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَّأُ بَسْطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ». از این عبارت فهمیده می شود که امام عصر علیه السلام با بدن شریف خود، میان مردم رفت و آمد می کنند، اما افراد، عموماً ایشان را نمی شناسند. با این ترتیب، غیبت حضرت، منافاتی با حضور جسمی ایشان ندارد، آنچه مهم است، ناشناخته بودن ایشان می باشد. در احادیث دیگری که موضوع غیبت امام عصر علیه السلام مطرح شده، به «عزالت» ایشان اشاره شده است. امام سجّاد علیه السلام در بیان وجه شباهت آن حضرت به حضرت ابراهیم علیه السلام فرموده اند:

أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخِفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اعْتِزَالُ النَّاسِ.<sup>۱</sup>

اما سستی که از ابراهیم در امام عصر علیه السلام وجود دارد، پنهان بودن ولادت و کناره گیری از مردم می باشد.

همچنین امام صادق علیه السلام در مورد غیبت امام زمان علیه السلام چنین فرمودند:

لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ وَ لَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزَلَةٍ.<sup>۲</sup>

تعبیر «عزالت» و «اعتزال» به معنای کناره گیری ایشان از مردم است و اصولاً یکی از معانی غربت آن امام عزیز در زمان غیبت، همین دور بودن ایشان از

۱. کمال الدین و تمام النعمة، باب ۳۱، ح ۳.

۲. الغيبة، نعمانی، باب ۱۰، ح ۴۱.

دوستان و شیعیان خود می‌باشد.<sup>۱</sup>

نتیجه‌ای که از این دو گونه احادیث استفاده می‌شود، این است که هر دو حالت مزبور در غیبت امام عصر علیه السلام وجود دارد: هم دوری و جدایی از مردم و هم ناشناخته بودن با وجود حضور در میان ایشان. همان‌طور که گفته شد، ممکن است هر یک از این دو گونه بر اساس زمان‌ها یا افراد مختلف رخ دهد.

اما تعبیر دیگری هم در توضیح معنای غیبت امام زمان علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي إِحْدَيْهِمَا الْمَوَاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرَوْنَهُ.<sup>۲</sup>

حضرت قائم علیه السلام دو غیبت دارند<sup>۳</sup> که در یکی از آن دو، شاهد موافق حج هستند، ایشان مردم را می‌بینند ولی مردم ایشان را نمی‌بینند.

در این حدیث شریف، کلمه «يَشْهَدُ» آمده است. این کلمه به دو معنا به کار می‌رود: یکی به معنای «حضور یافتن» و دیگر «به چشم دیدن».<sup>۴</sup> «يَشْهَدُ» به هر یک از این دو معنا که باشد، ظهور در حضور جسمانی حضرت در موافق حج دارد. البته این حضور - چنان‌که در خود حدیث فرموده‌اند - مربوط به یکی از دو غیبت امام عصر علیه السلام است، اما غرض ما از طرح و توضیح آن، این است که تعبیر «يَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرَوْنَهُ» را بیان کنیم و معنای آن را با توجه به توضیحات گذشته روشن نماییم.

در صورتی که امام علیه السلام در مراسم حج حضور داشته باشند، می‌توان گفت که ایشان مردم را با چشم می‌بینند، اما عموم مردم از دیدن آن حضرت محروم هستند. این ندیدن مردم به دو صورت محتمل است: یکی این‌که به اعجاز الهی و علی‌رغم حضور جسمانی آن حضرت، مردم از دیدن شخص ایشان، ناتوان باشند.

۱. توضیح این معنای غربت را در کتاب «آفتاب در غربت» فصل ۴ از بخش سوم مطالعه فرمایید.

۲. اصول کافی، کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، ح ۱۲.

۳. مراد از این دو غیبت، دو مرحله از غیبت است که غیبت صغری و کبری نامیده می‌شوند نه دو معنایی از آن که

فعلاً محلّ بحث می‌باشد.

۴. شَهْدُ الْمَجْلِسِ: حَضْرَهُ وَ شَهْدُ الْحَادِثِ: عَائِنَهُ (المعجم الوسيط ص ۴۹۷).